هادیانه
هر چیزی را گوش نده!

■ امام زین‌العابدین(ع) فرمود: برای تو روا نیست که به هر چیزی گوش فرادهی که خداوند فرمود: «همانا گوش و چشم و دل همه در پیشگاه پروردگار مسئولند.»

کاشانه
مدیرمسئول: **محمد جواد اخوان**
سردبیر: **غلامرضا صادقیان**
دبیر ویژه‌نامه: **حسین گل‌محمدی**
همکاران تحریریه: **نیره ساری، مرضیه بامیری نیره محمودی، محبوبه قربانی**
چاپ: **همشهری**

گفت‌وگو

حجت‌الاسلام ایمان ضرابی، پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه:

باور و رفتار مردم در هجمه دشمن مصداق عینی سوره فتح است

نیره ساری

سوره فتح، روایتی کوتاه از یکی از بزنگاه‌های مهم تاریخ اسلام است؛ جایی که سپاه مسلمانان در میانه فشار و بیم، نه تنها وعده شکست نخورد، بلکه به فتحی بزرگ بشارت داده شد. در نگاه اول، شرایط بیرونی پر از تهدید و اضطراب بود، اما در دل همین فضای سنگین، خداوند از «آرامش» گفت؛ آرامشی که از جنس خوابیدن موقت دردها یا غفلت از خطرها نیست، بلکه نیرویی درونی است که انسان را سرپا نگه می‌دارد و حتی قوی‌تر می‌کند. امروز وقتی جامعه‌ای زیر فشار اقتصادی، تحریم یا تهدید نظامی است، دوباره همین پرسش قدیمی زنده می‌شود: امید از کجا می‌آید؟ ایمان چه نقشی دارد؟ سوره فتح به‌روشنی نشان می‌دهد آرامش واقعی، وابسته به محاسبات مادی نیست بلکه پیوندی است بین باور درونی انسان و وعده‌های خدایی که عمل به آن را تضمین کرده است. در دل همین سوره، مفاهیمی چون بیعت، وفاداری، صبر و نصرت، به‌صورت واقعی معنا پیدا می‌کنند. مردم در کنار پیامبرشان پیمان بستند، ایستادند، پیمان شکستند یا وفا کردند و سرنوشت هر گروه روشن شد. همین منطق ساده و عینی هنوز هم در همه بحران‌های جمعی جاری است: اگر وفادار باشی، اگر صبر کنی، اگر پیمان نشکنی، آرامش و پیروزی سهم توست. گفت‌وگوی «جوان» با حجت‌الاسلام ایمان ضرابی، پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه نگاهی به سوره فتح و جنگ ۱۲روزه دارد.

■■■

در دل شرایط دشوار جنگ، سوره فتح چگونه «سکینه» و آرامش را به مؤمنان وعده می‌دهد؟ در فضای ترس، اضطراب یا ناامیدی عمومی، مؤمن چگونه با سکینه الهی تقویت می‌شود؟ (اشاره به آیه ۴: هُوَ الَّذِی أَنزَلَ السَّکِینَةَ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ...). در این فراز از آیه اشاره شده که: سکینه و آرامش از جانب خدا نازل می‌شود. این آرامش یک آرامش ویژه‌ای است که قدرت، توانایی و انگیزه ایجاد می‌کند، زیرا وابسته به ایمان و باور عمیق درونی است بنابراین آرامش رخوت‌آور نیست که انسان گاهی در نگاه مادی پیدا می‌کند که آن آرامش حیوانی است. این آرامش آرامش انسانی است و انسان با آن قدرتمندتر، باانگیزه‌تر، حالت سرور و نشاط پیدا می‌کند. رابطه‌اش قوی‌تر می‌شود، در جریانات اجتماعی تأثیرگذارتر می‌شود. در جریان طالوت هم برای اینکه لشکریان طالوت انگیزه‌شان قوی‌تر بشود برای جنگ با جالوت، خدای سبحان آن تابوت و صندوقی را که مخصوص بود به آن ودایعی که موسی(ع) در آن قرار داده بود نازل کرد و در آن آرامش برای لشکریان طالوت ایجاد می‌شد که در مقابله با جالوت اینها قدرتمندتر بمانند. پس سکینه یک آرامشی است که قدرت ایجاد می‌کند، انگیزه می‌دهد و خوف را از انسان زائل می‌کند.

■■■

در این سوره، خداوند وعده‌هایی بزرگ به مؤمنان داده است: مغفرت، نصرت، پاداش عظیم و پیروزی‌های پیاپی. در دل این وعده‌ها، چه امیدی نهفته است برای مردمی که زیر فشار، تحریم یا جنگ هستند؟

آنچه باعث ایجاد این روحیه در سایه‌سار وعده‌های الهی می‌شود درک حقیقت انسانی است. قرآن برخلاف آیین‌های تحریف شده و مکاتب مادی، زندگی انسان در دنیا را گذرگاه می‌داند نه قرارگاه و اساساً قرارگاه را سرای دیگر برمی‌شمارد، از این رو می‌فرماید: «ان الاخره هی دار القرار»، این ایدئولوژی در نهاد انسان ایجاد امید می‌کند؛ امیدی که او را از بیهوده‌انگاری بیرون می‌آورد و به مرگ از نگاه او هویت می‌بخشد که مرگ نیستی نیست و باارزش‌ترین مرگ‌ها، مرگ در راه خدا و دین خداست.

در آیه ۱۸، خداوند از بیعت رضوان یاد می‌کند و رضایت خود را از مؤمنان اعلام می‌دارد. این رضایت الهی چه معنا و اثری دارد؟

اگر چه خداوند سبحان در آیه ۱۸ سوره فتح از بیعت‌کنندگان در بیعت رضوان اعلام رضایت می‌کند، اما بر اساس آیه ۱۰ همان سوره، عهد بستن با رسول خدا(ص) تا زمانی ارزش دارد که فرد بیعت‌کننده، به پیمان خود وفادار بماند و پیمان‌شکنی نکند. در آیه شریفه می‌خوانیم: «ان الذینَ یبایعُونَک انما یبایعونَ اللهَ یدُ اللهِ فَوقَ ایدیهم فَمَن نَکثَ فَانما ینکثُ عَلی نَفسِهِ وَمَن اوفی بِما عاهَدَ عَلَیهُ اللهَ فَسَیؤتیهِ اجرًا عَظیما»: (کسانی که با تو بیعت می‌کنند [در حقیقت] تنها با خدا بیعت می‌نمایند و دست خدا بالای دست آنهاست، پس هر کس پیمان‌شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است و آن کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وفا کند، به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد)، بنابراین رضایت الهی مذکور در آیه ۱۸، شامل حال پیمان‌شکنان و آنان که در عمل، به پیمان خود وفا نکردند، نخواهد شد، بلکه معنی این رضایت خشنودی از مؤمنان راستینی است که از پیامبر(ص) اطاعت می‌کنند و بر سر عهد خود با خدا و رسولش بوده و استقامت ورزیدند.

چگونه خدا در لحظات حساس تاریخی، وفاداری مردم را می‌بیند و پاسخ می‌دهد؟

خداوند سبحان به تمام احوال بندگانش نظر دارد و تمام افعال بندگانش را می‌بیند، همانگونه که خود می‌فرماید: «ان الله بصیر بالعباد». وفاداری مردم در تحمل شرایط سخت جنگ و از دست دادن عزیزان‌شان برگرفته از صبر مقدس است؛ صبری که می‌دانند باعث رشد و بالندگی دین خدا و پرورش انسان‌های تعالی یافته می‌شود. آنچه باعث نگاه خدا به جامعه و وفاداری مردم در لحظات حساس تاریخی می‌شود همین صبر مقدس است که در ادبیات واشعار ما هم به آن به زیبایی پرداخته شده که: صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند/ براثر صبر نوبت ظفر آید

عکس: امین جلالی/ ایرنا

همه با خواندن سوره فتح درمی‌یابند که هر کس در جهاد علیه باطل به اندازه سر سوزنی حمیت از خود نشان دهد، خداوند او را مشمول: «منهم مغفره و اجرا عظیما» خواهد کرد، همین باور باعث می‌شود عموم جامعه ما زیر فشارها و جنگ‌های تحمیلی با امیدی راستین به راه و روش خود ادامه دهند

چه شباهتی بین آن روزگار و این روزهای جنگ و فشار هست؟

بین ماجرای منتهی به بیعت رضوان وفشارهای امروز ما شباهت‌های بسیار زیادی وجود دارد مانند تحریم‌ها که بسیار شکننده هستند و در آن زمان پیامبر(ص) و اصحاب‌شان تحریم و تهدید شدند که ما نیز در این روزها شاهد این ابزارها برای مرعوب کردن اهل ایمان بوده و هستیم و بین استقامت پیامبر گرامی اسلام(ص) و یاران ایشان و اهل ایمان در این روزها همخوانی بسیار معناداری وجود دارد. همانگونه که رسول خدا(ص) در این باره فرمودند: به خدا سوگند من در راه این دینی که خدا مرا به آن مبعوث فرموده آنقدر می‌جنگم تا خدا آن را پیروز گرداند یا جان خود را بر سر این کار گذارده و کشته شوم، در این شرایط عموم مردم مسلمان کشورمان هم چنین استقامتی را با تأسی از پیامبر(ص) و یاران ایشان سرلوحه خود قرار داده‌اند. در آیه ۲۹، مؤمنان به عنوان «اشداء علی الکفار، رحماء بینهم» توصیف شده‌اند. این آیه بیانگر یک روش پسندیده در سیره پیامبر(ص) است؛ روشی که در آن مؤمنان باید در عین قاطعیت در برابر دشمنان، با موحدان و هم‌کیشان خود مهربان و همدل باشند. این همدلی در بین ایرانیان سابقه‌ای کهن در صفحات تاریخ دارد و حتی در عصر فعلی نیز ما شاهد آن در تمام چالش‌های اجتماعی بوده‌ایم. زمانی که مدعیان حقوق بشر در چالش‌هایی مثل همه‌گیری ویروس کرونا یا جنگ ۱۲روزه در سرزمین‌های اشغالی برسر دستمال کاغذی یا مواد غذایی به یکدیگر چنگ و دندان نشان می‌دادند، در اینجا مردم در خانه خود را برای هموطن خود گشوده‌اند تا لقمه نانی را در کنار هم بخورند تا زیر یوغ دشمن نروند.

در مواجهه با دشمن چگونه باید بود و در مقابل، آیا در درون جامعه خودمان، رحم و محبت را جایگزین قضاوت و طرد کرده‌ایم؟ چگونه می‌توانیم در عین قاطعیت در اصول، با هموطنان و همفکران، مهربان‌تر باشیم؟

تاریخ ایران نشان داده است ما در همیشه تاریخ با همفکران‌مان مهربان بوده‌ایم، این فرهنگ به جا مانده از اسطوره‌های این مرز و بوم است، البته شهروندان باید در شرایط جنگی با عاملان امنیت مردم همکاری کنند تا نفوذیان از این اوضاع نابسامان آب به آسیاب دشمن نریزند ولی نباید بیهوده هر کسی را به انگشت اتهام توبیخ کرد که این با آیه «اشداء علی الکفار، رحماء بینهم» در تضاد است و فقط باید با مخلان امنیت و آرامش که در شکل عموم مردم ظاهر می‌شوند برخورد جدی و عبرت‌آموز کرد. چنانکه فردوسی بزرگ می‌گوید: سر ناسزایان برافراشتن/ و ز ایشان امید بهی داشتن/ سر رشته خویش گم کردن است/ به جیب اندرون مار پروردن است.

همان مزدورانی که با رسانه‌های دشمن درد این مردم ستمدیده را وارانه جلوه می‌دهند که: چو پیروز شد دزد تیره روان/ چه غم دارد از گریه کاروان

در آیات متعدد، خداوند «ایمان، عمل صالح و اخلاق جمعی» را سبب نصرت می‌داند. ما وقتی به ماجرای غزوه احد می‌نگریم، مشاهده می‌کنیم که قرآن می‌فرماید: «الذینَ اسْتَجابُوا لِلّهِ وَ الرسُولِ مِنْ بَعْدِ ما أَصابَهُمُ الْقَرْحُ»، کسانی که بعد از آن صدمه سنگین وقتی حضرت دوباره دعوت کردند، اجابت کردند، البته این اجابت، اجابت سختی بود. در بین اینها هم، همه کامیاب نیستند چون باز قرآن می‌فرماید: «لِلذینَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتقَوْا أَجْرٌ عَظیم»، آنهایی که خوب نقشه را انجام دادند و پا پس نکشیدند و درست در صحنه وارد شدند و تقوای الهی را پیشه کردند، به اجر عظیم می‌رسند. بعد قرآن می‌فرماید، این دسته چه کسانی هستند: «الذینَ قالَ لَهُمُ الناسُ إِن الناسَ قَدْ جَمَعُوا لَکُمْ فَاخْشَوْهُمْ»: (مردم به آنها گفتند الان به شما ضربه زدند، کم بود؟! همان‌ها که به شما ضربه زدند، قوای‌شان را جمع کردند و تازه نفس برمی‌گردند، پس بترسید!)، اما آنها از اینکه دشمن مستحکم‌تر ایستاده، مؤمن‌تر شدند: «فَزادَهُمْ إیماناً». این ایمان و عمل صالح اخلاق دسته‌جمعی باعث شد نصرت الهی روزی رزمندگان اسلام شد و در این غزوه پیروز شدند با اینکه در این جنگ ضربات بدی را سپاه اسلام متحمل شد اما با این افزایش ایمان ورق برگشت و مسلمین در نهایت پیروز میدان شدند.

در دفاع مقدس ۱۲روزه، چقدر به تأثیر رفتارهای فردی بر موفقیت‌های جمعی توجه داشتیم و نتیجه آن چه شد؟

اساساً انسان‌ها موجودات اجتماعی و به تعبیر فلاسفه «مدنیه بالطبع» هستند و برای برآوردن نیازهای خود و رسیدن به کمال، ناچار به زندگی در جامعه هستند، از این رو وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، می‌توانند کارهای به قول معروف نشد را به ظهور برسانند، همانگونه که مولای متقیان علی(ع) فرمودند: «ید الله مع الجماعه»، ما نیز در این ۱۲روز شاهد انسجام و همدلی ملی بودیم که اگر این همدلی وجود نداشت، نه تنها موفقیتی عائد مردم ایران نمی‌شد بلکه عنایت الهی نیز شامل حال مردم این کشور نمی‌شد.

در آیات پایانی، خداوند وعده فتح‌های آینده، پیروزی و پاداش بزرگ به مؤمنان می‌دهد. این وعده‌ها به چه کسانی داده شده؟ فقط مجاهدان میدان جنگ یا مجاهدان راه اخلاق و حقیقت نیز؟ ما در زندگی روزمره، چگونه «جهاد با نفس»، «جهاد با فساد» و «جهاد با ناامیدی» را تجربه می‌کنیم؟

وعده فتح و ظفر اجر مؤمنانی است که در راه خدا روی ایمان خود ایستادگی کردند و کارهای نیک را از یاد نبردند. با توجه به این آیه باید گفت قواعد نصرت خدا این قواعدی که ما خیال می‌کنیم، نیست و به عِده و عُده نیست، البته به یک معنا عِده و عُده می‌خواهد، یعنی ما باید عِده و عُده تهیه کنیم، ولی نصرت در شرایط خودش و با قواعد خودش، از طرف خدای متعال می‌آید، این نصرت بدون تردید شامل جهاد گرانی است که در مسیر ایمان‌شان از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند و هر زمان به شکلی خود را نمایان می‌کند و وقتی ما بدانیم که پاداش الهی در پرتو خودسازی برای اهل ایمان محقق می‌شود، هر روز و هر لحظه ما خود را جهادگر می‌بینیم و در سنگر جهاد با نفس و فساد و ناامیدی اهمال نمی‌کنیم.

چرا خواندن سوره فتح توصیه شده است؟ با زبان ساده، بگویید سوره فتح چه پیام امیدبخشی دارد برای مادری که نگران فرزندش در جنگ است یا جوانی که در میدان مقاومت است و حتی مردم عادی که در حال زندگی روزمره خود هستند؟

سوره مبارکه فتح محتوای بسیار عمیقی در خود جا داده است و چون عمدتاً به پیروزی نهایی مسلمانان و پاداش جهاد و فراگیر شدن دین خدا در عرصه جهان سخن به میان می‌آورد، برای کسانی که باور قلبی به این کتاب آسمانی دارند، بسیار نویدبخش است. علت توصیه به خواندن این سوره در این ایام هم همین محتوای باورآفرین است، مردم عادی و جوان مجاهد در میدان نبرد و مادر داغدیده یا مادر نگران که فرزندش در بحبوحه جنگ است، همه و همه با خواندن سوره فتح درمی‌یابند که هر کس در جهاد علیه باطل به اندازه سر سوزنی حمیت از خود نشان دهد، خداوند او را مشمول: «منهم مغفره و اجرا عظیما» خواهد کرد، همین باور باعث می‌شود عموم جامعه ما زیر فشارها و جنگ‌های تحمیلی با امیدی راستین به راه و روش خود ادامه دهند. هزار دشمنم ار می‌کنند قصد هلاک/ گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک.

نگاه

درس‌های رسانه‌ای که از جنگ ۱۲روزه آموختیم

مرضیه بامیری

روزهای پایانی خرداد بود که نیمه‌های شب با صدای حمله و انفجار از خواب پریدیم. همه چیز شبیه یک کابوس بود. مثل یک خواب ترسناک که وقتی از آن بیدار می‌شویم با چند نفس عمیق و چند جرعه آب به حالت عادی برمی‌گردیم، ولی این یک کابوس واقعی بود که خیلی از هموطنان عزیزمان تجربه کردند. عده‌ای عزیز از دست دادند، عده‌ای وحشت‌زده شدند، عده‌ای طبق غریزه فرار از خطر، بدون اینکه بدانند چه اتفاقی افتاده، خانه را ترک کردند و تازه متوجه شدند چه شده است. بیدارها به خواب‌ها پیام دادند و تمام ایران حتی نقطه‌ای که امن‌وامان بود، فقط چند دقیقه بعد از انفجارها متوجه حمله رژیم منحوس اسرائیل به ایران شدند. اینجا بود که رسانه‌های داخلی از شوک بزرگی درآمدند و بی‌وقفه مشغول اطلاع‌رسانی شدند.

بی‌تردید رسانه دشمن سال‌هاست برای جنگ‌های روانی آماده است و هزینه می‌کند، ولی ما آن شب در بی‌خبری غافلگیر شدیم و تعداد زیادی از عزیزان‌مان را از دست دادیم. بعد از آن خانواده‌ها حتی کوچک‌ترها که نمی‌دانستند سیاست چیست، بارها اسم اسرائیل و امریکا به گوش‌شان می‌خورد و می‌دانستند موضوع درباره جنگ است. دیگر همه در هر محفل و مکانی که بودند حرف اول و آخرشان جنگ بود. احوالپرسی‌ها و حتی شوخی حال‌وهوای جنگی داشتند. خانواده‌ها همدل‌تر شدند و درست مثل زمان دفاع مقدس هشت‌ساله، با قلبی به بزرگی اقیانوس یکدیگر را در آغوش می‌گرفتند. خیلی از وقایع تاریخ برای مردم تکرار شد. خیلی‌ها پیش‌ازاین تجربه روزهای موشکباران و ترس و دلهره جنگ را داشتند، ولی این بار خیلی فرق می‌کرد. این بار درست است که موشک‌ها و ریزپرنده‌ها روی زمین اصابت می‌کرد، ولی جنگ واقعی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بود. اخبار به‌صورت لحظه‌ای رصد می‌شد و دهها کانال خبری، اتفاقات و تحرکات سیاسی را پوشش می‌داد. دیگر کمتر کسی بود که اخبار روزانه را نشنیده باشد یا قاب تلویزیون را به روی شبکه‌های خبری ببندد و بی‌تفاوت باشد. چهل‌وچند سال قبل جنگ توی خاکریزها بود، ولی حالا یک ایران وسط معرکه بود. هر کسی که یک گوشی دستش بود در میدان جنگ بود. هر کسی یک سرباز بود در این جنگ نابرابر. همدلی مجازی مردم مثل همیشه غافلگیرمان کرد و هنرهایی خلق کردند بامحبت و تدبیرهای درست‌شان که نشان داد مردم سیاست را خوب می‌شناسند. این وسط بودند عده‌ای که می‌خواستند آب را گل‌آلود کنند یا از احساسات جریحه‌دارشده و داغ مردم سوء استفاده کنند. می‌خواستند جنگ دشمن را با کینه‌ورزی خودشان مخلوط و کاری کنند که تا الان جرئتش را نداشتند. رسانه دشمن بی‌رحم بود. بی‌وقفه پالس‌های جدی برای اعتراض و کم‌کردن تاب‌آوری مردم ایران می‌داد ولی مردم هوشیار بودند. اخبار غلط، اخبار تقطیع‌شده یا قلابی به خورد مخاطب می‌دادند، تا جایی که خیلی از مخاطبان شبکه‌های ماهواره‌ای در همین جنگ ۱۲روزه اعتراف کردند که گول خورده‌اند و هرچه آنها به‌عنوان دلسوزی و تلاش برای بهبود سرنوشت به خوردشان داده بودند، یک‌مشت دروغ بود. حالا جنگ تمام شده، ولی بعضی چیزها مثل قبل نمی‌شود. اینکه مردم دانستند سواد رسانه چقدر ضروری است و دشمن چقدر راحت در این زمین، بازی می‌کند و قربانی می‌گیرد. دانستند نباید هر خبری را بازنشر کنند، نباید به اخبار جعلی و شایعات توجه کنند و باید دنبال رصد اخبار از کانال‌های معتبر باشند. یاد گرفتند چطور در مقابل تکنیک‌های عملیات روانی دشمن مقاومت کنند. بسیاری از خانواده‌ها برای دوری از اضطراب و ایجاد احساسات منفی در فرزندان، مدت‌زمان استفاده از گوشی همراه و فضای مجازی را محدود کردند و زمان قرارگیری در معرض اخبار منفی و دلهره‌آور را کاهش دادند. مدام با اعضای خانواده در هر وضعیتی بودند تماس داشتند و به طور مستمر از حال یکدیگر باخبر می‌شدند. خانواده‌ها سعی کردند در جمع بچه‌ها و قشر آسیب‌پذیر مثل زنان باردار یا سالمند کمتر از جنگ و اتفاقات تلخ بگویند. در این ۱۲روز دهه نودی‌هایی که همیشه از بعضی کارهای‌شان می‌نالیدیم، حسابی خوش درخشیدند و باسواد رسانه‌ای بالا پرچم مقاومت را در اوج نگه داشتند. والدین و فرزندان یاد گرفتند که نباید هر عکس و اطلاعاتی را با دیگران به اشتراک بگذارند. شاید تماشای عملکرد یک پدافند یا برخورد موشک به بعضی نقاط یک تجربه منحصربه‌فرد باشد ولی فهمیدند نباید آن را به اشتراک بگذارند. بچه‌ها در این ۱۲روز یاد گرفتند که همه را به چشم دشمن در فضای مجازی ببینند و بااحتیاط عمل کنند، مگر اینکه عکس آن ثابت شود. یاد گرفتند در برابر خطرات و تهدیدهای سایبری هوشیار باشند. به کمپین‌های تبلیغاتی دشمن نپیوندند و حداقل آگاهی را برای شناخت اخبار درست و غلط بیاموزند و در مصرف رسانه‌ها دقت و مدیریت صحیحی اعمال کنند.